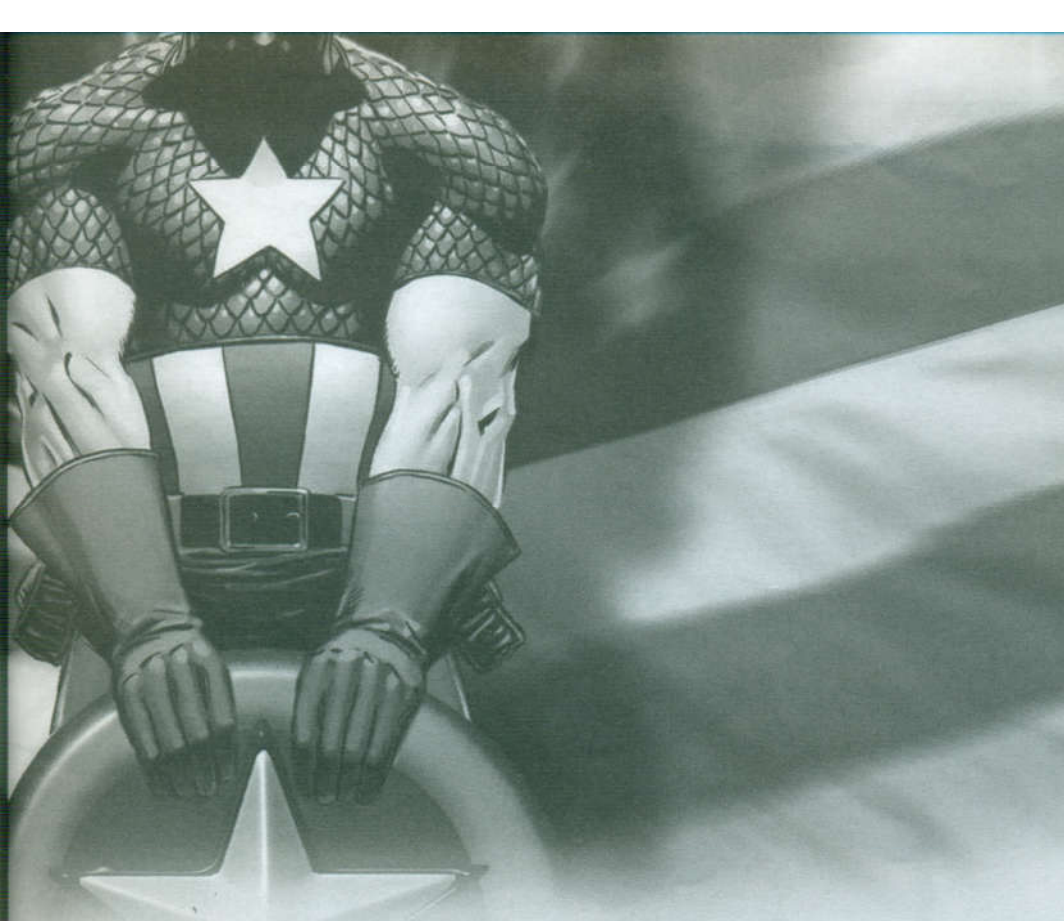




سید محمد مهدی موسوی

«این فیلم برای افرادی با بهره هوشی بسیار کم جلوی دوربین رفته و دارای تناقض های فراوانی است.»

این جمله را نه یک ایرانی وطن دوست، بلکه روزنامه معروف آمریکایی واشنگتن پست درباره فیلم «۳۰۰» ساخته «زاک اسنایدر» آورده است. ۳۰۰ آخرین فیلمی است که هالیوود در راستای رویارویی با فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی ساخته است. این فیلم با هدف تصویری نادرست از فرهنگ مشرق زمین و سیاه نمایی شکوه و عظمت آن در سینماهای آمریکا و برخی از کشورهای جهان اکران شده است.

اندکی از داستان فیلم

داستان این فیلم مربوط به یکی از جنگ های ایران و یونان در رزم گاه ترموپیل (گردنه معروفی در یونان، بین کوه اوتیه و خلیج مالیک) است که در حقیقت برگرفته از کتاب «فرانک میلر» می باشد. در این فیلم ۳۰۰ جنگجوی اسپارتنی در برابر ارتش چندصد هزار نفری و مجهز خشایار شاه پادشاه ایرانی، مقاومت جانانه ای از خود نشان می دهند اما در نهایت گزشتی از خود یونانیان، دروازه های شهر را به روی لشکر ایران می گشاید و ارتش ۳۰۰ نفری لئونیداس، فرمانروای یونانی شکست می خورد و خود لئونیداس به شکل مظلومانه ای تیرباران می شود.

نکته جالب، تصویر پایانی فیلم و جسد تیرباران شده لئونیداس است که شباهت بسیار به تصویری دارد که از مسیح در کلیساهای اروپا و آمریکا مشاهده می شود. شاید سازندگان فیلم خواسته اند بگویند که جنگ امروز غرب با ایران، یک جنگ مذهبی هم چون سلسله جنگ های صلیبی است که از هزاران سال پیش تاکنون کماکان وجود دارد. روزنامه «آب» اسپانیا در همین باره تعبیر جالبی دارد: این روزنامه می نویسد: «فیلم ۳۰۰ بخشی از توطئه آمریکا علیه ایران است و به نظر می رسد حتی دیالوگ های فیلم برگرفته از سخنرانی های متداول سران کاخ سفید باشد مثل آن جا که همسر لئونیداس می گوید: «آزادی، رایگان نیست.»

از این منظر باید گفت این فیلم برخلاف آن چه درصدد بیان آن است یعنی وحشی و بی فرهنگ نشان دادن ایرانیان باستان، با سیاست های آمریکاییان متمدن! در عراق و افغانستان و شکنجه گری های آنان در زندان های ابوغریب و گوانتانامو هم خوانی دارد و به قول روزنامه یواس ای تودی، آدم را به یاد جنگ عراق می اندازد.

به نظر می رسد این فیلم، درصدد برانگیختن روحیه مقاومت و مبارزه جوانان غربی در برابر فرهنگ ایرانی و اسلامی است. در صحنه ای از فیلم فرمانده اسپارتنی ها که فرد باشهامت و خونسردی است، زمانی که از سوی سپاه بسیار پر

تهاجم هالیوودی، ناتوی فرهنگی

نگاهی به فیلم ۳۰۰ و تحلیلی پیرامون آن

جنگ سربازان اسپارتنی و سپاه ایران برای مخاطب آگاه و هوشمند امروز جهان ارایه کرده اند. جالب آن که خود کمیانی برادران وارنر، در پاسخ به اعتراض های شدید ایرانیان در اقصی نقاط جهان به صراحت اعلام کرده که این فیلم هیچ سند تاریخی ندارد!! دروغ گویی و فرافکنی فیلم به حدی است که حتی از سوی یونسکو هم محکوم شده است. با تمسک به چنین اعتراضی باید گفت تاریخ سازان هالیوود می کوشند از این طریق ضمن جعل تاریخ برای تمدن آمریکایی که تنها سیصدسال سابقه دارد، به مردم این کشور و سایر مردم جهان غرب، روحیه مبارزه با شرق و به ویژه جهان اسلام را بیاموزند. روزنامه نیوزدی، چاپ نیویورک نیز ضمن اشاره به همین نکته، فیلم ۳۰۰ را جنگ هالیوودی آمریکا علیه ایران توصیف کرده و آورده است: «این فیلم تاریخی-اسطوره ای، تلفیقی از کمیک بوک «فرانک میلر» با سیاست های امروزی آمریکا است.»

این روزنامه در ادامه می افزاید: در این فیلم اسپارتن ها که با عده بسیار کم خود در مقابل ایرانیان خون خوار و البته بسیار ترسو! شکست می خورند، در حقیقت با دلاوری های خود برندگان اخلاقی و حقیقی این جنگ هستند؛ در جای جای این فیلم تماشاچی شاهد جنگ میان غربی های عاشق صلح و آزادی! با خشایار شاه پادشاه خون خوار ایرانیان مستبد و جنگ طلب است.»

تعداد ایران تهدید می شود فریاد برمی آورد که: «اگر سلاح هایمان را می خواهید، بیایید و آن را بگیرید. ما با سلاح هایمان زندگی می کنیم و با آن ها نیز خواهیم مرد.»

بی شک، این گفته را می توان این گونه تحلیل کرد که غرب به ویژه آمریکا همواره درصدد القای این نکته است که دشمنان بسیاری دارد و برای حفظ کبان خود باید مجهز به آخرین و پیشرفته ترین سلاح های روز باشد مساله ای که امروز می توان آن را در قالب جنگ افروزی های آمریکا در خاورمیانه توجیه کرد و این که آمریکا به هیچ وجه نمی خواهد از عراق خارج شود.

فرافکنی مدرن

با تمام این اوصاف، تولید و نمایش فیلم مخدوش و جعلی ۳۰۰ باید گواه ترس و استیصال استکبار جهانی و بازیگران ناتوی فرهنگی در مواجهه با موج عظیم بیداری اسلامی دانست که البته باز هم ناکام می ماند؛ چرا که تاریخ و تمدن بشری خود گواه فرهنگ غنی و سنت های برتر ایرانیان و به ویژه وجود فرهنگ مردم سالاری در نخستین لایه های حکومتی ایران زمین است و لذا بی دلیل نیست اگر بگوییم شاکله منشور ملل متحد برگرفته از دموکراسی نهاده شده در عصر ایران باستان است. با این وجود سازندگان فیلم ۳۰۰ با چشم پوشی ناشیانه از تاریخ باستان و جعل واقعیت های مسلم تاریخی، روایت مخدوشی از



آب حیات - آب نجات

سربازان انگلیسی که از جنگ بیهوده چهارساله عراق خسته شده‌اند و جان‌شان به لب آمده، دنبال راه چاره‌ای برای فرار از مهلکه بودند. ورود شانسکی پانزده‌ملوان انگلیسی به آب‌های سرزمین ایران در اروندرود، دستگیری و بازداشت آن‌ها توسط نیروهای ایرانی و سپس فرارشان از مهلکه عراق با بازگشت به انگلستان، حسرت به دل خیلی از سربازان دیگر گذاشته به‌ویژه وقتی مهمان‌داری سخاوتمندانه ایرانیان را با رفتار انسانی! خودشان در زندان‌های گوانتانامو و ابوغریب مقایسه کردند، و سبب شده تا انگلیسی‌ها، آب‌های ایران را «آب حیات» یا «آب نجات» بدانند و بنامند. به همین دلیل، بسیاری از سربازان انگلیسی مترصد فرصتی برای تکرار آن تجربه موفق هستند و درخواست انجام مأموریت در اروندرود یا خلیج فارس را دارند. دولت باهوش بلر هم که دست آن‌ها را خوانده، از دولت بوش خواسته که به نیروهای آمریکایی در خلیج فارس دستور بدهد که به محض ورود هریک از قایق‌ها، کشتی‌ها، ناوها یا حتی ملوان‌های انگلیسی به آب‌های ایران، بلافاصله به سوی آن‌ها شلیک کنند تا بمیرند یا غرق شوند اما اسیر ایرانی‌ها نشوند یا به غنیمت گرفته نشوند؛ بالاخره آن‌ها هم فهمیده‌اند که تکرار افتضاح چندان به مصلحتشان نیست.

تولید و نمایش فیلم مخدوش و جعلی ۳۰۰ باید گواه ترس و استیصال استکبار جهانی و بازیگران ناتوی فرهنگی در مواجهه با موج عظیم بیداری اسلامی دانست که البته باز هم ناکام می‌ماند؛ چراکه تاریخ و تمدن بشری خود گواه فرهنگ غنی و سنت‌های برتر ایرانیان و به‌ویژه وجود فرهنگ مردم‌سالاری در نخستین لایه‌های حکومتی ایران‌زمین است.

این فیلم که بخشی از سیاست‌های کاخ سفید از طریق هالیوود است در مقام بیان این نکته است که غرب و آمریکا سربازان اینترگر مبارزه علیه نیروهای شیطان هستند! نیروهایی که اکنون توسط ایرانیان هدایت می‌شوند! و شاید با این حربه‌ها قصد فریب و آماده‌سازی اذهان عمومی مردمان کشورشان برای حضور در منطقه حساس خاورمیانه و رویارویی با ایران اسلامی را فراهم آورند، بلکه از این طریق جلوی شرارت‌های ایران را بگیرند!

شکل دگرخندیدن
علی ادیب قفقازی

خرد در بهشت

نخست‌وزیر انگلستان، بلر و وزیر خارجه‌اش، بکت، در اولین واکنش مشترک به عفو و بخشش و سپس آزادی ملوانان انگلیسی، ضمن تجلیل از عظمت ملت ایران و تعظیم در مقابل آن، فرهنگ و تمدن کهن و غنی ایرانی را ستودند؛ اما ۲۶ ساعت پس از بازجویی نظامی از ملوانان آزاد شده، شش نفر از پانزده نفر را که تسلیم زورگویی‌های آن دولت شده بودند، مجبور کردند که از روی کاغذ از پیش‌نویشته شده‌ای بگویند که «نقشه جهان، آن‌طور که در ایران بوده (و چاپ انگلستان بوده) با نقشه جهان در انگلستان (که مال دوره امپراتوری و استعمار کشورهای دنیا بوده) فرق داشته.»

بلکه دولت انگلیس بتواند این‌طوری، از شدت سوزش شکست فاحش در مقابل ایرانیان، بکاهد. در همین زمان بود که بنده زندگی به داغستان زدم خدمت شاعر، طنزپرداز و نویسنده بلند آوازه معاصر، پسرعمه عزیزم و پرسیدم که «چرا دولت انگلیس، این قدر نمک به حرام است و برای چه جامعه جهانی ۵+۱ شورای منیت سازمان ملل، چیزی نمی‌گوید و جوابش را نمی‌دهد؟» فرمود: «عزیز دانی! این قدر حرص و جوش نخور و نخواه که مدافعان آپارتاید امنیتی، آدم بشوند.» و اضافه کردند:

«گله نکن حبیب من، گوش جهان (جامعه جهانی ۵+۱) کراست‌کر؛ ناله نکن عزیز من، هیزمشان تر است تر؛ خر به بهشت اگر رود، باز همان خر است خر!»

درباره آن گفته است: «این فیلم خشن بیش‌تر شبیه کاریکاتورهای ژاپنی است تا یک فیلم تاریخی.» مایکل مور کارگردان و مستندساز بزرگ آمریکایی نیز با تاسف از ساخت این فیلم از همه ایرانیان عذرخواهی کرده است. روزنامه «اتلانتا ژورنال کانستیتیوشن» با تمسخر این فیلم می‌نویسد: «از هر زاویه که به فیلم ۳۰۰ نگاه کنیم این فیلم یک فیلم مبالغه‌آمیز است، این فیلم در واقع تصویری از همان هرکول است اما در عصری کامپیوتری.»

فیلم ۳۰۰ را در واقع می‌توان مواجهه امروز دنیای پرفریب غرب که همه چیز را از طریق غول‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی، در هضم فرهنگ مهاجم خود می‌یابد- با ایرانیان و در یک معنای وسیع‌تر با مسلمانان- دانست. امروز هم سینما به‌عنوان رسانه‌ای تأثیرگذار در نوک پیکان حمله زیاده‌خواهان جهانی (استکبار و صهیونیسم) قرار گرفته است. اگر دیروز هالیوود «اسکندر» الیور استون را محملی برای جعل تاریخ شرق و نادیده گرفتن پیشرفت‌های علمی، تمدنی ایران‌زمین در آن دوران برای ارایه انتخاب کرد امروز هم با گستاخی بیش‌تر، بر تهاجم فرهنگی خود در قالب جنگ نرم افزوده است.

فیلمی برای کاخ سفید!

یادمان نرفته که جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا پس از حوادث یازده‌سپتامبر و در آستانه حمله نیروهای آمریکایی به عراق و افغانستان از عباراتی چون خیر و شر و رسالت آمریکا برای آزادی منطقه خاورمیانه از نیروهای شر و تروریست‌ها بهره می‌برد و حتی به جنگ ظالمانه خود در منطقه، صبغه مذهبی داده بود و خود را در مقام یک ناجی معرفی می‌کرد.

این فیلم که بخشی از سیاست‌های کاخ سفید از طریق هالیوود است در مقام بیان این نکته است که غرب و آمریکا سربازان اینترگر مبارزه علیه نیروهای شیطان هستند! نیروهایی که اکنون توسط ایرانیان هدایت می‌شوند! و شاید با این حربه‌ها قصد فریب و آماده‌سازی اذهان عمومی مردمان کشورشان برای حضور در منطقه حساس خاورمیانه و رویارویی با ایران اسلامی را فراهم آورند، بلکه از این طریق جلوی شرارت‌های ایران را بگیرند!

هالیوود در این فیلم، ایرانی‌ها را به صورت انسان‌هایی وحشی، جلادصفت، سیاه‌پوست! با چشمانی خون‌آلود و لباس و پوششی شبیه تروریست‌های امروزی به تصویر کشیده است. بدسلیقگی و سطحی‌نگری به تصویر کشیده است. حدی است که حتی شخصی چون «ای او اسکات» منتقد مشهور روزنامه نیویورک‌تایمز